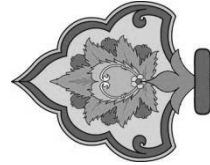


فهرست مطالب



فصل اول: کلیات تحقیق.....	۱۳
الف) مقدمه.....	۱۴
ب) بیان مسئله.....	۱۴
پ) اهمیت تحقیق.....	۱۷
ت) پیشینه تحقیق.....	۱۷
ث) جنبه جدید بودن و نوآوری در تحقیق.....	۱۹
ج) اهداف تحقیق.....	۲۰
۱. هدف کلی.....	۲۰
۲. هدف فرعی.....	۲۰
ح) سوالات تحقیق.....	۲۰
سوال اصلی.....	۲۰
سوالات فرعی.....	۲۰
چ) فرضیات تحقیق.....	۲۱
۱. فرضیه اصلی.....	۲۱
۲. فرضیه فرعی.....	۲۱
خ) جنبه جدید بودن و نوآوری تحقیق.....	۲۱
د) روش تحقیق.....	۲۱
ز) ساختار تحقیق.....	۲۲

فصل دوم: مفاهیم و کلیات تحقیق..... ۲۳

- ۲۴ مبحث اول: شناخت دعاوی طاری.....
- ۲۵ گفتار اول: تعریف دعاوی طاری.....
- ۲۷ گفتار دوم: فلسفه وجودی دعاوی طاری.....
- ۲۸ گفتار سوم: شرایط عمومی اقامه دعاوی طاری.....
- ۲۸ بند اول: مطرح بودن دعاوی اصلی.....
- ۲۹ الف: معرفی دعاوی اصلی.....
- ۲۹ ب: مطرح بودن دعاوی اصلی.....
- ۳۰ بند دوم: ارتباط دعاوی طاری با دعاوی اصلی.....
- ۳۰ الف: ارتباط کامل.....
- ۳۷ ب: وحدت منشا.....
- ۳۸ مبحث دوم: اقسام دعاوی طاری.....
- ۳۹ گفتار اول: دعاوی تقابلی.....
- ۴۰ گفتار دوم: دعاوی اضافی.....
- ۴۱ گفتار سوم: دعاوی ورود ثالث.....
- ۴۲ گفتار چهارم: دعاوی جلب ثالث.....
- ۴۲ مبحث سوم: مقاطع بالاتر از دادرسی بدوی.....
- ۴۲ گفتار اول: مرحله واخواهی.....
- ۴۳ گفتار دوم: مرحله تجدیدنظرخواهی.....
- ۴۴ گفتار سوم: مرحله فرجام خواهی.....
- ۴۴ گفتار چهارم: اعاده دادرسی.....

فصل سوم: دعاوی متقابل و اضافی در مقاطع بالاتر..... ۴۷

- ۴۸ مبحث اول: دعاوی متقابل.....
- ۴۸ گفتار اول: معرفی دعاوی متقابل.....
- ۵۳ گفتار دوم: ماهیت دعاوی متقابل.....
- ۵۴ گفتار سوم: شرایط اختصاصی دعاوی متقابل.....
- ۵۴ بند اول: اقامه آن از سوی خوانده علیه خواهان.....
- ۵۵ بند دوم: اتحاد منشا یا ارتباط کامل.....

۵۶	بند سوم: اقامه دعوی در مهلت مقرر.....
۵۷	گفتار چهارم: قابلیت طرح دعوی متقابل در مراحل بالاتر از دادرسی بدوی.....
۵۷	بند اول: طرح دعوی متقابل در مرحله واخواهی.....
۶۰	بند دوم: طرح دعوی متقابل در مرحله تجدید نظرخواهی.....
۶۱	بند سوم: طرح دعوی متقابل در مرحله فرجام خواهی.....
۶۱	مبحث دوم: دعوی اضافی.....
۶۱	گفتار اول: معرفی دعوی اضافی.....
۶۳	گفتار دوم: شرایط اقامه دعوی اضافی.....
۶۳	بند اول: ارتباط بین دعوی اصلی و اضافی.....
۶۳	بند دوم: طرح دعوا از سوی طرفین دعوی اصلی.....
۶۴	بند سوم: مهلت طرح دعوی اضافی.....
۶۵	بند چهارم: هم عرض بودن دادگاه‌ها.....
۶۶	گفتار سوم: قابلیت طرح دعوی اضافی در مقاطع بالاتر از دادرسی بدوی.....
۶۶	بند اول: طرح دعوی اضافی در مرحله واخواهی.....
۶۷	بند دوم: طرح دعوی اضافی در مرحله تجدید نظرخواهی.....
۶۹	بند سوم: طرح دعوی اضافی در مرحله فرجام خواهی.....

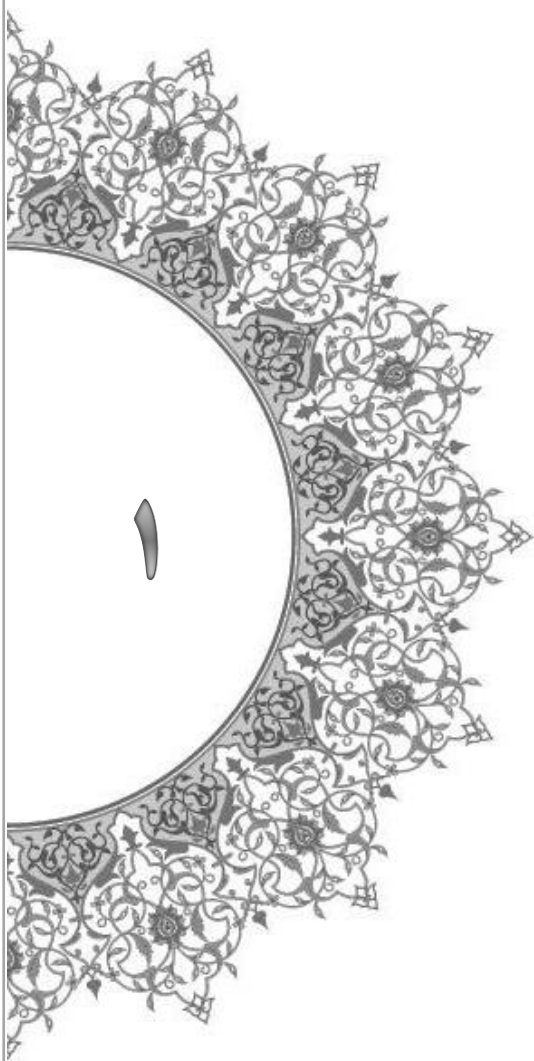
فصل چهارم: دعوی طاری شخص ثالث..... ۷۱

۷۲	مبحث اول: گونه شناسی دعوی طاری ثالث.....
۷۲	گفتار اول: ماهیت و شرایط طرح دعوی طاری ثالث.....
۷۴	گفتار دوم: دعوی جلب ثالث.....
۷۵	گفتار سوم: ماهیت و شرایط طرح دعوی جلب ثالث.....
۷۸	بند اول: نپذیرفتن دعوا.....
۷۸	الف) استناد به ماده ۲ قانون آئین دادرسی مدنی.....
۷۹	ب) استناد به مواد ۱۳۵، ۱۳۶ و ۱۴۳ قانون آئین دادرسی و امری بودن آن قانون.....
۸۱	بند دوم: رسیدگی مستقل.....
۸۱	الف) فلسفه دعوی طاری و شدید بودن پی آمد نپذیرفتن دعوا.....
۸۲	ب) تصریح قانونگذار در موارد مشابه.....
۸۳	بند سوم: تفصیل بین موارد ارتباط دعوا و غیر آن.....

- گفتار چهارم : قابلیت طرح دعوی جلب ثالث در مقاطع بالاتر از دادرسی بدوی..... ۸۴
- بند اول: طرح دعوی جلب ثالث در مرحله واخواهی..... ۸۴
- بند دوم: طرح دعوی جلب ثالث در مرحله تجدید نظر خواهی..... ۸۸
- بند سوم: طرح دعوی جلب ثالث در مرحله فرجام خواهی..... ۹۴
- مبحث دوم: ماهیت و شرایط طرح دعوی وارد ثالث..... ۹۴
- گفتار اول: وارد ثالث..... ۹۴
- بند اول: وارد ثالث اصلی..... ۹۵
- بند دوم: وارد ثالث تبعی..... ۹۵
- گفتار دوم: قابلیت طرح دعوی ورود ثالث در مقاطع بالاتر از دادرسی بدوی..... ۱۰۰
- بند اول: طرح دعوی ورود ثالث در واخواهی..... ۱۰۰
- بند دوم: طرح دعوی ورود ثالث در تجدید نظر خواهی..... ۱۰۱
- بند سوم: طرح دعوی ورود ثالث در فرجام خواهی..... ۱۰۴
- گفتار سوم: ماهیت و شرایط اعتراض شخص ثالث..... ۱۰۴
- بند اول: اعتراض ثالث اصلی..... ۱۰۶
- بند دوم: اعتراض ثالث طاری..... ۱۱۴
- بند سوم: اعتراض ثالث اجرایی..... ۱۱۵

فصل پنجم: نتیجه گیری و ارائه پیشنهادات..... ۱۱۷

- الف) نتیجه گیری..... ۱۱۸
- ب) ارائه پیشنهادات..... ۱۲۹
- منابع..... ۱۳۱
- کتاب..... ۱۳۱
- مقالات..... ۱۳۳
- پایان نامه..... ۱۳۴
- جزوه..... ۱۳۴



فصل اول: کلیات تحقیق

الف) مقدمه:

موضوع دعوا محدوده دادرسی را مشخص می‌نماید. موضوع دادرسی و سایر عناصر آن باید به نوعی غیرقابل تغییر باشند تا از هرگونه اقدام غافلگیرانه که قضاوت شایسته را به خطر بیندازد جلوگیری شود. لکن تغییر ناپذیری عناصر نایستی به عنوان یک امر مطلق در نظر گرفته شود. در واقع همان قضاوت شایسته ایجاد می‌نماید که اجازه داده شود تحت شرایطی در جریان دعوای اصلی خوانده علیه خواهان اقامه دعوا نماید و یا خواهان دعوا یا دعوای دیگری را علیه خوانده مطرح نماید؛ شخص ثالثی به دعوا وارد شود و یا هر یک از اصحاب دعوا ثالثی را جلب نمایند در این صورت است که دعوا یا دعوای طاری مطرح می‌شوند. اهمیت دعوای طاری از آنجا نشأت می‌گیرد که این‌گونه دعوای در جریان رسیدگی به دعوای اصلی اقامه می‌شود و طرح آن‌ها اتفاقی بوده و معمولاً تصمیم‌گیری نسبت به دعوای اصلی منوط به روشن شدن نتیجه دعوای طاری می‌باشد امری که در عمل نیز بسیار مبتلا به دادگاه‌ها می‌باشد. علی‌رغم اهمیتی که دعوای طاری به خود اختصاص داده‌اند لکن در خصوص شرایط اقامه دعوای طاری و طرح آن در مراحل مختلف دادرسی اختلاف نظرات زیادی در دکتترین حقوقی و رویه قضایی وجود دارد.

مهم‌ترین مواد استنادی در خصوص دعوای طاری در قانون آیین دادرسی مدنی ماده ۱۷ در تعریف دعوای طاری، ماده ۶۵ در تفکیک دعوای، ماده ۹۸ در توأم نمودن دعوای، مواد ۱۳۰ تا ۱۳۴ در جلب شخص ثالث، مواد ۱۳۵ تا ۱۴۰ در دعوای ورود ثالث، مواد ۱۴۱ تا ۱۴۳ در خصوص دعوای تقابل می‌باشد.

پژوهش حاضر با تأمل و تدقیق در مواد قانونی مذکور، در صدد بررسی امکان طرح دعوای طاری در مقاطع بالاتر از دادرسی بدوی که شامل واخواهی، تجدیدنظرخواهی، فرجام‌خواهی و اعاده دادرسی است، می‌باشد و لذا در این راستا، در تلاش است که این مهم را مورد بررسی قرار دهد که آیا امکان طرح دعوای طاری در مقاطع بالاتر از دادرسی بدوی وجود دارد؟ یا خیر و در صورتی که چنین امکانی فراهم بود، شرایط اقامه این نوع دعوای به چه صورت خواهد بود؟

ب) بیان مسئله:

دعوای طاری^۱، به جهت تأثیر جدی که بر دعوای اصلی می‌گذارند و موجب تغییر اصحاب دعوا و خواسته‌ها می‌گردند، به طواری ماهوی موسومند چرا که، برخلاف بسیاری دیگر از طواری

^۱. Demandes incidences

دادرسی با تأثیر بر دعوای اصلی ممکن است، موجب تغییر سرنوشت دعوا گردند دعاوی طاری دعوایی است که بر دعوای دیگر نظر به وحدت منشأ یا داشتن ارتباط از حیث اضافه کردن خواسته یا در مقام دفاع یا وارد کردن شخص به دعوا، وارد می شود و به خودی خود دعوایی تمام عیار به حساب می آید.

دعاوی طاری مانند سایر قواعد آیین دادرسی مدنی برای سامان دادن به رسیدگی یک دادرسی عادلانه با رعایت حقوق طرفین دعوا و در نهایت صدور آراء مستحکم و صحیح وضع شده است و می توان گفت مهمترین هدف قواعد آیین دادرسی مدنی در مرحله نخستین، جلوگیری از ایجاد اختلاف و پس از آن، فصل خصومت است. از آنجا که دادرسان دادگستری مصون از اشتباه نیستند برای حفظ حقوق اصحاب دعوا و جلوگیری از تضییع حقوق آنها و نیز حفظ حقوق کسانی که به نحوی از احکام دادگاه متضرر میشوند باید راههایی برای شکایت از آراء و تصمیمات آنها و تجدید رسیدگی وجود داشته باشد تا متضررین از آراء و تصمیمات ناصحیح و خلاف قانون، بتوانند با استفاده از این راهها و درخواست رسیدگی مجدد مانع تضییع حقوق خود گردند. دادرسی عادلانه و قضای شایسته وجود مراحل مختلف دادرسی در هر نظام حقوقی مترقی را توجیه می کند. تجدید رسیدگی یا بوسیله دادگاهی صورت می گیرد که قبلاً به دعوا رسیدگی کرده و حکم داده است یا توسط مرجع بالاتر (مرجع تجدید نظر و فرجام). طرح دعاوی بدوی در تجدید نظر هر چند احتمال تضییق و محدودیت دفاع و محدودیت اصل تناظر را فراهم می سازد، ضرورت احتراز از صدور احکام متعارض و پیشگیری از اتلاف وقت و هزینه و سایر اهداف و مزایای پیش بینی شده در جهت دادرسی عادلانه و قضای شایسته موجب شده، قانونگذار مقرراتی وضع کند تا اهداف مذکور را تضمین نماید. وضع قواعد مربوط به طرح دعاوی در هر کدام از مراحل دادرسی و پیش بینی طرح برخی از دعاوی طاری در مرحله تجدید نظر که بتواند ماهیتاً و به صورت ابتدایی و به عنوان استثناء بر اصول و قواعدی از جمله: «منع ادعای جدید در مرحله تجدید نظر»، «منع دخالت اشخاصی غیر از طرفین دعوای بدوی در مرحله مزبور»، «دو درجه ای بودن رسیدگی ماهیتی به دعوی» و همچنین «ممنوعیت رسیدگی به دعوایی که در مرحله نخستین رسیدگی ماهوی نشده» در این جهت و به منظور رسیدن به اهداف فوق می باشد. طرح دعاوی طاری مختص مرحله بدوی نیست. دعاوی طاری در مرحله تجدید نظر یکی از مباحثی است که در دکترین حقوقی و رویه قضایی ایران کمتر بدان توجه شده است. شاید کوتاهی زمان رسیدگی دادگاه تجدید نظر که کمتر با تشکیل جلسه دادرسی همراه است مهمترین عامل شایع نبودن طرح برخی از دعاوی طاری در این مرحله را به صراحت تجویز کرده است. رویه قضایی نیز در عمل مواجه با طرح دعاوی طاری در مرحله تجدید نظر

است. بنابراین لازم است نظری کلی در خصوص امکان طرح دعاوی طاری در مرحله تجدید نظر ارائه شود. به نظر میرسد مفاد ماده ۳۶۳ ق.آ.د.م درباره شرایط اقامه همه انواع دعاوی طاری در مرحله تجدید نظر حاکم باشد. به این ترتیب، برای اقامه دعاوی طاری در مرحله تجدید نظر، نه تنها ارتباط کامل میان دعاوی طاری یا دعاوی اصلی شرط است، موضوع دعاوی طاری باید از اموری باشد که به موجب ماده ۳۶۲ ق.آ.د.م ادعای جدید محسوب نمی شود. اگر حکمی از دادگاه نخستین صادر شده باشد ممکن است قابل تجدید نظر باشد و یا غیابی شمرده شود و قابل واخواهی باشد راه فرجام نیز ممکن است باز باشد. قابل طرح بودن هر یک از دعاوی طاری (دعاوی متقابل، دعاوی اضافی، دعاوی ورود شخص ثالث، دعاوی جلب ثالث) در مقاطع بالاتر دادرسی بدوی با توجه به نوع دعاوی طاری و شرایط دعوا و برابر قواعد عمومی تشخیص داده می شود. علیرغم اهمیت دعاوی طاری و قابلیت طرح آن در مقاطع بالاتر از دادرسی بدوی از ناحیه فواید عملی آن در احقاق حق اشخاصی که از حکم صادره متضرر شده اند مشاهده می شود که متأسفانه آنگونه که شایسته بوده است مورد توجه قانونگذار قرار نگرفته است و در خصوص طرح هر یک از آنها در مقاطع مختلف (واخواهی، تجدید نظر خواهی، فرجام خواهی، اعتراض ثالث، اعاده دادرسی) قانونگذار یا ساکت است که این سکوت موجب برداشت های متفاوتی مبنی بر تایید ضمنی بر قابل طرح بودن این دعاوی و ارجاع به قواعد عمومی و یا رد کردن آنها و غیر قابل طرح بودن آنها به طور قطعی می باشد و یا در متن مواد قانونی عباراتی رابه کار میبرد که پر از ابهام است و همین ابهامات و اختلافات و عدم توجه به آنها و عدم تحلیل و تفسیر صحیح آنها ممکن است در مواردی سبب گردد که دستگاه های قضایی در موضوعی واحد رویه های متفاوتی اتخاذ نمایند و در نتیجه از یک طرف دستگاه قضایی از رسالت اصلی خود که همان احقاق حق و اجرای عدالت است دور بماند و از سوی دیگر موجبات سلب اعتماد افراد جامعه از این دستگاه فراهم گردد. طرح این دعاوی نه تنها مورد توجه قانونگذار قرار نگرفته است بلکه حقوقدانان و ارباب عمل یعنی وکلای دادگستری و قضات نیز بر خلاف مباحث دیگر آیین دادرسی مدنی به دعاوی طاری و قابلیت طرح آن ها در مقاطع بالاتر توجهی ننموده و در کتب و آثار ایشان فقط تکرار مکررات به گذرا و جسته و گریخته و تنها از سر عادت و ترتیب مباحث اکتفا نموده اند و این شاید به دلیل حجم زیاد و گستردگی مباحث دادرسی مدنی باشد این عدم توجه قانونگذار و حقوقدانان سبب بروز اختلاف میان حقوقدانان و رویه قضایی در رابطه با مسائل این گونه دعاوی است. مبحث قابلیت طرح دعاوی طاری در مقاطع بالاتر از دادرسی بدوی به دلیل اینکه هیچگاه به نحو مجزا مورد بررسی قرار نگرفته پر از نکاتی می باشد که یا توجه کافی به آنها نشده و یا اینکه در این مورد اختلافاتی میان حقوقدانان وجود دارد با

توجه به این مسائل این تحقیق به نکات مزبور پرداخته و در آن سعی در بررسی این موضوع و ارائه پاسخ های مناسب و شایسته برای مسائل حقوقی پاسخ داده نشده در این رابطه است.

پ) اهمیت تحقیق:

مزایای دعاوی طاری بر کسی پوشیده نیست. دعاوی طاری از جمله امور اتفاقی مهمی می باشند که در بسیاری از دادرسی های مدنی با آن مواجه می باشیم. با توجه به اینکه دعاوی طاری دارای فراوانی می باشند و در صورت به وجود آمدن هر یک از آنها در جریان دادرسی اثرات عمده ای بر دعاوی اصلی خواهد گذاشت و همین اثرات نیاز به بررسی دقیق شرایط این دعاوی، در هر یک از مقاطع دادرسی دارد و علیرغم، اهمیت بحث قابل طرح بودن این دعاوی در مقاطع بالاتر از دادرسی بدوی و از ناحیه فواید عملی آن در احقاق حق اشخاص که از حکم صادره متضرر شده اند، قانونگذار و حقوقدانان عنایتی را که به مباحث دیگر آیین دادرسی داشته اند، متأسفانه در این خصوص بی توجه بوده اند و در این مورد شدیداً در دکتترین حقوقی و رویه قضایی اختلاف است و این اختلاف، حاصل بی توجهی حقوقدانان و سکوت قانونگذار بوده، و نهایتاً اینکه منابعی جامع در بررسی این اختلاف وجود ندارد که همین مسائل دلیل بر اهمیت موضوع می باشد. بررسی قابلیت طرح این دعاوی در مراحل بالاتر از دادرسی بدوی کمک شایسته ای به اجرای عدالت و احقاق حقوق اصحاب دعوی می نماید، اما عدم توجه به این موارد مهم و بررسی نکردن آنها می تواند از یک طرف موجب تضییع حقوق حقه اصحاب دعوا گردیده و از طرف دیگر موجبات سلب اطمینان اصحاب دعوا را نسبت به دستگاه قضا فراهم آورد. لذا با توجه به این خلأهای قانونی و اختلافات در دکتترین حقوقی و رویه ی قضایی ضروری به نظر می رسد، به همین جهت در پژوهش حاضر به دنبال بررسی امکان طرح دعاوی طاری در مقاطع بالاتر از دادرسی بدوی و بیان نقاط ضعف و قوت مواد قانونی موجود در این زمینه می باشیم.

ت) پیشینه تحقیق:

در خصوص پیشینه بحث در مورد دعاوی طاری گذشته از بررسی و تحلیل این دعاوی در کتب مختلف آیین دادرسی مدنی از جمله کتب دکتر شمس، دکتر متین دفتری و دیگر عالمان علم حقوق به موارد ذیل اشاره می شود.

۱ - شکوهی زاده، عربیان (۱۳۹۷) در پژوهشی تحت عنوان «دعاوی طاری در مرحله تجدید نظر» به این موضوع پرداخته است که، طرح دعاوی طاری مختص مرحله بدوی نیست. در مرحله تجدید نظر نیز ممکن است دعاوی طاری از سوی هر یک از طرفین دعوا یا اشخاص ثالث

مطرح شود. با این حال، طرح این دعاوی در مرحله تجدید نظر با محدودیت هایی رو به رو است. اثر انتقالی تجدید نظر خواهی مستلزم آن است که دادگاه تجدید نظر فقط به آنچه در مرحله بدوی در دادگاه بررسی شده رسیدگی کند با این حال نفی کلی طرح دعاوی طاری در مرحله تجدید نظر ممکن نیست. چون بسیاری موارد، بدون طرح این دعاوی، رسیدگی دادگاه ناتمام و غیر موثر باقی می ماند. علاوه بر این، در مواردی اوضاع و احوال حاکم بر موضوع دعوا، پس از صدور رأی بدوی، چنان دستخوش تحول میشود که رسیدگی دادگاه تجدید نظر به موضوع مورد رسیدگی دادگاه بدوی بی معنی و ناممکن است. این واقعیت های متناقض ایجاب می کند که رویه قضایی، ضمن پذیرش دعاوی طاری در مرحله تجدید نظر، محدودیت های منطقی و قانونی آنها نیز مد نظر قرار دهد.

۲ - صباغیان (۱۳۹۶) در کتابی با عنوان «شرح کامل دعاوی طاری و ویژگی های آن ها» با توجه به آراء قضایی به تحلیل دعاوی مذکور با توجه به راهکارهای کاربردی و ذکر نمونه قراردادهای و دستورات محاکم به تبیین دعاوی طاری پرداخته است.

۳ - داریوش (۱۳۹۴) در پژوهشی تحت عنوان «آثار و نتایج رسیدگی نخستین دعاوی طاری در دادگاه تجدید نظر» به بررسی طرح بعضی دعاوی طاری از جمله ورود ثالث و جلب ثالث در مرحله تجدید نظر و تجویز رسیدگی ابتدایی به آن از سوی مقنن، بنا به برخی مزایا، مصالح، فلسفه و اهدافی که قانونگذار در نظر داشته، که موجب شده به نحو استثنایی از قواعد فوق عدول شود. و بررسی آثاری از جمله طرح برخی از طواری دادرسی به تبع دعوی بدوی طاری مطرح شده در مرحله تجدید نظر، مانند درخواست تامین خواسته و درخواست دادرسی فوری از دادگاه تجدید نظر و رسیدگی ابتدایی این دادگاه به دعوی اعسار در دعاوی مد نظر و همچنین جمع و تاثیر متقابلی که دعاوی اصلی و بدوی مطروحه بر یکدیگر در رسیدگی توأمان به آنها وجود دارد و نتایج آن می تواند موجب توجیه تجویز مقنن در رسیدگی ابتدایی دادگاه تجدید نظر باشد پرداخته است.

۴ - عبدی (۱۳۹۲) در پایان نامه مقطع کارشناسی ارشد تحت عنوان «تحلیل دعاوی طاری در قانون آیین دادرسی مدنی ایران» به بررسی دعاوی طاری و معرفی و شناسایی ارکان آن و مختصرآبه طرح برخی دعاوی طاری در مقاطع عالی پرداخته است

۵ - مقصود پور (۱۳۸۹) طی رساله ای در مقطع دکتری تحت عنوان «شرایط اقامه دعاوی طاری» در سال ۱۳۸۹ در دانشگاه شهید بهشتی با تأکید بر مطالعه تطبیقی با حقوق فرانسه و لبنان به بیان ضوابط اقامه دعاوی طاری از جمله تبیین ارتباط کامل و سایر ضوابط جهت طرح

- این دعاوی و مختصراً طرح این دعاوی در مقاطع مختلف پرداخته است که در سال (۱۳۹۱) توسط انتشارات مجد با عنوان «دعاوی طاری و شرایط اقامه آن» به چاپ رسیده است.
- ۶ - حسین زاده یدی درق (۱۳۹۱) در پایان نامه مقطع کارشناسی ارشد تحت عنوان «دعاوی جلب شخص ثالث در حقوق ایران به بررسی احکام راجع به دعاوی جلب ثالث و ابهامات مواد قانونی در این مورد و وجه اشتراک و افتراق این دعا با دعاوی دیگر طاری مختصراً به طرح دعاوی جلب ثالث در مقاطع مختلف (بدوی، واخواهی، تجدید نظر خواهی، فرجام خواهی، و اعاده دادرسی) پرداخته است.
- ۷ - حسن زاد (۱۳۹۰) در پژوهشی تحت عنوان «دعاوی متقابل و جلب شخص در واخواهی و تجدید نظر» به بررسی ابهامات و مطالب قابل بحث مربوط به دعاوی متقابل و جلب شخص ثالث در واخواهی و تجدید نظر پرداخته است، و راه حل هایی ارائه می دهد.
- ۸ - بهشتی - مردانی (۱۳۸۱) پژوهشی تحت عنوان بررسی تحلیلی اعاده دادرسی بر اساس قانون جدید آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹ دارد که در این پژوهش به بیان شرح مختصری در مورد مواد قانون آیین دادرسی مدنی در باب اعاده دادرسی اصلی و طاری پرداخته است.
- ۹ - عابدی (۱۳۹۲) در پایان نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان "طرح ادعا یا دعاوی جدید در مراحل واخواهی و تجدیدنظر" به بررسی امکان طرح دعاوی طاری در دو مرحله واخواهی و تجدیدنظر پرداخته است.
- ۱۰ - امامی و همکاران (۱۳۹۲) در پژوهشی با عنوان "دعاوی اضافی" به بررسی احکام و آثار دعاوی اضافی پرداخته است.

ث) جنبه جدید بودن و نوآوری در تحقیق:

علی رغم اهمیت فراوان بررسی قابلیت طرح دعاوی طاری در مقاطع عالی نظام دادرسی در قانون آیین دادرسی مدنی، از ناحیه فواید عملی در احقاق حق اصحاب دعا و اشخاص بی طرف در دعا که از حکم صادره متضرر شده اند و پراکندگی قوانین و عدم وجود یا ابهام قوانین خاص در این زمینه مشاهده می شود تاکنون پژوهش مجزا، جامع و منسجمی به بررسی این موضوع نپرداخته است. از طرفی فراوانی این دعاوی و قابلیت طرح هر یک از این دعاوی در مقاطع مختلف میتواند بیانگر بکر بودن و نوآوری موضوع باشد.

ج) اهداف تحقیق:

۱. هدف کلی

بررسی قابلیت طرح دعاوی طاری در مقاطع بالاتر از دادرسی بدوی

۲. هدف فرعی

- _ بررسی دعاوی اضافی در مقاطع بالاتر از دادرسی بدوی و شرایط اقامه آن
- _ بررسی دعاوی متقابل در مقاطع بالاتر از دادرسی بدوی و شرایط اقامه آن
- _ بررسی دعاوی ورود ثالث اصلی و تبعی در مقاطع بالاتر از دادرسی بدوی و شرایط اقامه آن
- _ بررسی دعاوی جلب ثالث در مقاطع بالاتر از دادرسی بدوی و شرایط اقامه آن

ح) سوالات تحقیق:

سوال اصلی:

۱. آیا امکان طرح دعاوی طاری در مقاطع بالاتر از دادرسی بدوی وجود دارد؟

سوالات فرعی:

۱. دعاوی اضافی در کدام یک از مقاطع بالاتر از دادرسی بدوی قابلیت طرح دارد و شرایط اقامه آن کدام است؟
۲. دعاوی متقابل در کدام یک از مقاطع بالاتر از دادرسی بدوی قابلیت طرح دارد و شرایط اقامه آن کدام است؟
۳. ورود شخص ثالث در مقاطع بالاتر از دادرسی بدوی و اعتراض شخص ثالث نسب به اشخاص ثالث و اصحاب اصلی دعوا به چه نحوی است؟
۴. دعاوی جلب ثالث در چه مقاطعی بالاتر از دادرسی بدوی قابلیت طرح دارند و شرایط اقامه آن کدام است؟

چ) فرضیات تحقیق:

۱. فرضیه اصلی:

امکان طرح دعاوی، متقابل، اضافی، اعتراض ثالث و جلب ثالث در مراحل بالاتر از دادرسی بدوی بسته به نوع دعوا وجود دارد.

۲. فرضیه فرعی:

۱. به نظر می‌رسد، با توجه به اینکه واخواهی مرحله مستقلی است با همان اوصاف مرحله نخستین و واخوانده همان موقعیت مرحله نخستین را حفظ میکند و با توجه به اصل استصحاب حق طرح دعاوی اضافی را داشته باشد، و بنا به شرایطی بتواند در مرحله تجدید نظر هم طرح دعوا کند

۲. به نظر می‌رسد، دعاوی متقابل شامل مرحله بدوی است و شامل تجدید نظر و فرجام نمی‌شود.

۳. به نظر می‌رسد، قانونگذار دعاوی ورود ثالث را در مرحله واخواهی و تجدید نظر پذیرفته است.

۴. به نظر می‌رسد، قانون گذار طرح دعاوی جلب ثالث را در مقاطع واخواهی و در تجدید نظر به روشنی پذیرفته است.

خ) جنبه جدید بودن و نوآوری تحقیق:

علی‌رغم اهمیت فراوان بررسی قابلیت طرح دعاوی طاری در مقاطع عالی نظام دادرسی در قانون آیین دادرسی مدنی، از ناحیه فواید عملی در احقاق حق اصحاب دعوا و اشخاص بی طرف در دعوا که از حکم صادره متضرر شده اند و پراکندگی قوانین و عدم وجود یا ابهام قوانین خاص در این زمینه و از طرفی فراوانی این دعاوی و قابلیت طرح هریک از این دعاوی در مقاطع مختلف، مشاهده می‌شود تاکنون پژوهش مجزا، جامع و منسجمی به بررسی این موضوع نپرداخته است. که این بیانگر بکر بودن و نوآوری موضوع باشد.

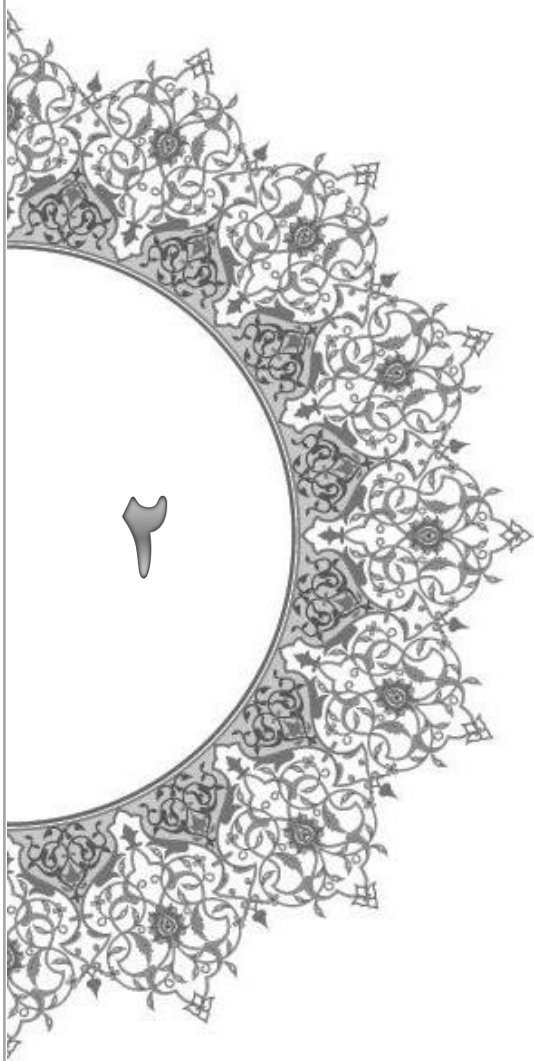
د) روش تحقیق:

روش تحقیقی در این پژوهش روش توصیفی - تحلیلی می‌باشد. شیوه گردآوری مطالب به صورت کتابخانه‌ای و از طریق بررسی آثار موجود و سوابق موضوع و فیش برداری صورت گرفته است.

برای مراجع قضایی، شبهه قضایی، و کمیسیون های تخصصی مجلس شواری اسلامی، اصحاب دعوا، اشخاصی غیر از اصحاب دعوا که از حکم صادره متضرر می شوند، مراکز آموزش عالی، و کلا، قضات، و دانشجویان حقوق مفید فایده باشد

ز) ساختار تحقیق:

پژوهش حاضر در ۵ فصل تدوین شده است. در فصل اول کلیات پژوهش به عنوان طرح کلی از تحقیق نگارش یافته؛ فصل دوم به بیان مفاهیم و مبانی تحقیق اختصاص یافته است. در فصل سوم دعاوی متقابل و دعاوی اضافی در مقاطع بالاتر از دادرسی بدوی مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته؛ فصل چهارم نیز به بیان دعاوی طاری شخص ثالث که شامل دعاوی جلب ثالث و دعاوی ورود ثالث می باشد و به جهت ارتباط موضوع اعتراض ثالث نگارش یافته است. در نهایت فصل پنجم به بیان نتیجه گیری کلی از مباحث مطرح شده در پژوهش و ارائه پیشنهاداتی در این خصوص اختصاص یافته است.



فصل دوم:
مفاهیم و
کلیات تحقیق

رسیدگی قضایی در دادگاه مدنی با یک پرونده شروع و پس از طی تشریفات دادرسی به صدور حکم منجر می‌شود. اما گاهی در خلال دادرسی و رسیدگی به دعوای اصلی؛ دعوای دیگری به صورت اتفاقی از سوی اصحاب دعوای اصلی یا فرد دیگری خارج از آن‌ها مطرح می‌گردد که بر حسب قانون گاهی قاضی مربوطه مکلف است به هر دو دعوا به صورت توأمان رسیدگی نماید؛ این‌گونه دعوای که دارای انواع مختلفی می‌باشد دعوای طاری نامیده می‌شود. علی‌رغم این‌که فلسفه پیش‌بینی دعوای طاری در قوانین موضوعه جلوگیری از صدور آراء معارض و مهم‌تر از همه اجرای عدالت در نظام قضایی می‌باشد لکن آن‌گونه که شایسته است دعوای مذکور مورد توجه قانونگذار و دکتربین قرار نگرفته و در پاره‌ای از موارد در خصوص طرح دعوای طاری در دکتربین و روبه اختلاف نظر وجود دارد. ناگفته پیداست که جهت ورود به مبحث دعوای طاری در قابلیت طرح آن در مراحل مختلف دادرسی و بیان نمودن اختلاف نظرات و نقاط ضعف و قوت قوانین در این خصوص نیازمند ارائه مطالبی به عنوان کلیات و مبانی می‌باشد که در این فصل به آن پرداخته می‌شود.

مبحث اول: شناخت دعوای طاری

طاری یا طاریه در لغت به معنای ناگه در آینده، ناگاه روی داده، عارض، گذارنده آمده است (معین، محمد، ۱۳۶۰: ۲/۲۱۹۵). در فقه طاری به امری گفته می‌شود که بیرون از عادت و بدون آن‌که توقع ورود آن برود، رخ می‌دهد (مقصودپور، رسول؛ ۱۳۸۹: ۳۵). طواری دادرسی که اعم از دعوای طاری می‌باشد در معنی پدیده‌هایی به کار می‌رود که معمولاً بدون آن‌که انتظار رخ دادن آن باشد در ارتباط با دادرسی و در جریان آن ممکن است بروز نماید که معمولاً صدور رای قاطع در دعوی مطروحه منوط به تصمیم‌گیری نسبت به دعوای طاری می‌باشد (شمس، عبدالله، ۱۳۸۵: ۳/۹). به این ترتیب همواره احتمال بروز طواری متعدد در جریان دادرسی وجود دارد؛ مواردی همچون ایراد خوانده به صلاحیت دادگاه، ادعای جعل، تامین دعوای واهی و یا اقامه دعوای طاری.

در یک تقسیم‌بندی کلی طواری دادرسی دارای انواع مختلفی می‌باشد که از قرار ذیل است:

۱. ایرادات و سایر طواری خارج از ماهیت دعوا: این مورد از طواری شامل مواردی می‌باشد که غالباً خواننده دعوی اتخاذ می‌کند که بدون ورود در ماهیت دعوی موجبات یک وقفه موقتی را در جریان رسیدگی دعوا فراهم می‌آورد. مواردی چون ایرادات، تامین اتباع بیگانه، درخواست اصل سند،... از این دست می‌باشد.

۲. تامین خواسته: این مورد وسیله‌ای مخصوص خواهان دعوی می‌باشد که قانون در اختیار وی قرار داده است تا علیه خواننده به کار گیرد.
۳. طواری ناشی از تغییرات حاصل در اصحاب دعوا و یا دعوا: برخی از طواری حوادثی می‌باشند که با ماهیت دعوی در ارتباط است زیرا دامنه دعوی را وسعت می‌بخشد، به این صورت که ادعای جدیدی بر ادعای دادخواست و مبدا دعوا اضافه می‌کنند.
۴. طواری مربوط به توقیف و زوال دادرسی: این مورد شامل مواردی است که حدوث آن‌ها موجب توقیف و زوال دادرسی می‌باشد.
۵. طواری مرتبط با ادله اثبات دعوی: گاهی اختلاف بر سر امور موضوعی می‌باشد یعنی اختلاف در بودن یا نبودن پاره‌ای از مطالب و اشیاء است (متین دفتری، احمد، ۱۳۷۸/۲: ۳۴۶، ۳۱۹، ۳۴۵، ۲۸۶، ۲۰۸).

گفتار اول: تعریف دعوای طاری

در خصوص دعوای طاری تعاریف مختلفی ارائه شده است. برخی بیان داشته‌اند: دعوای طاری آن دعوایی می‌باشد که در اثنای رسیدگی به دعوای اصلی اقامه می‌شود. اگر دعوای طاری از طرف خواهان مطرح گردد دعوای اضافی نامیده می‌شود؛ اگر از طرف خواننده مطرح شود، دعوای متقابل؛ اگر از طرف شخص ثالث یا بر علیه ثالثی اقامه شود آن را دعوای ورود ثالث یا جلب ثالث می‌نامند (متین دفتری، ۱۳۷۸/۱: ۲۵۳).

طواری ناشی از دعوای طاری امور اتفاقی مرتبط با ماهیت دعوا می‌باشند چرا که دامنه دعوی را وسعت بخشیده به این صورت که یا ادعاهایی بر ادعای اصلی موضوع دادخواست و مبدا دعوی اضافه می‌نماید و یا این که یک یا چند نفر از اشخاصی را که در زمره اصحاب دعوی اصلی نمی‌باشند دخیل در دادرسی می‌کند (متین دفتری، ۱۳۷۸/۲: ۳۱۱).

از جمله انتقاداتی که بر تعریف مذکور وارد می‌باشد عدم توجه به شرط ارتباط کامل بین دعوای اصلی و دعوای طاری است، امری که در ماده ۱۷ قانون آیین دادرسی مدنی نیز وجود دارد (ماده ۱۷ قانون آیین دادرسی مدنی). با توجه به ظاهر ماده ۱۷ ق.آ.د.م مقنن هر دعوایی را که در اثنای دعوای اصلی بین متداعیین و ثالث اقامه می‌شود را دعوای طاری دانسته و وجود ارتباط و وحدت منشا را صرفاً از موجبات رسیدگی توأمان در دادگاهی دانسته که به دعوای اصلی رسیدگی می‌نماید.

با توجه به انتقاد وارده به تعرف ارائه شده؛ این سوال مطرح می‌شود که آیا وجود شرط وحدت منشا و ارتباط موجب طاری تلقی شدن یک دعوی می‌باشد و یا این که شرط مذکور صرفاً سبب رسیدگی توامان برای دادگاه را فراهم می‌سازد (مقصودپور، ۱۳۸۹: ۳۹)

در تبیین و پاسخ به پرسش مذکور ذکر می‌شود که اگر قرار باشد مطابق ظاهر ماده ۱۷ ق.آ.د.م که دلالت بر آن دارد ارتباط و وحدت منشا شرط رسیدگی توامان است؛ عمل شود، بایستی هر دعوایی را که در اثنای رسیدگی به دعوی اصلی مطرح می‌گردد، دعوی طاری محسوب نمود در حالی که این امر منجر به تفسیر موسع از قانون شده که تالی فاسدی را در پی دارد. به همین جهت با واکاوی مواد قانونی دیگر از جمله ماده ۱۴۱ ق.آ.د.م (ماده ۱۴۱ قانون آیین دادرسی مدنی) این نتیجه به دست می‌آید که شرط ارتباط و وحدت منشا به عنوان شرط طاری تلقی شدن دعوی دوم محسوب می‌شود.

در تعریف دیگری از دعوی طاری آمده است که: دعوی است که در اثنای رسیدگی به دعوی دیگر، اصحاب دعوا یا اشخاص ثالث اقامه نمایند چه آن را اصحاب دعوا بر یکدیگر اقامه کنند و یا بر ثالث و یا این که ثالثی دعوا را بر علیه اصحاب دعوی اصلی اقامه نماید (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۱: ۳/۱۹۳۰).

نقدی که بر تعریف اول وارد شد، در این تعریف نیز قابل طرح است.

در تعریفی دیگر؛ هر دعوایی که در اثنای دعوی مطروحه در دادگستری از طرف متداعیین علیه ثالث یا یکدیگر و یا ثالث علیه متداعیین اقامه شود به شرط ارتباط با دعوی اصلی و یا وحدت منشا دعوی طاری نامیده می‌شود و در دادگاهی مورد رسیدگی قرار می‌گیرد که دعوی اصلی در آن‌جا مطرح است (واحدی، ۱۳۷۰: ش ۲).

ایرادی که بر تعریف مذکور وارد است ذکر این نکته می‌باشد که با توجه به قسمت آخر تعریف که بیان نمود... و در دادگاهی مورد رسیدگی قرار می‌گیرد که دعوی اصلی در آن‌جا مطرح است؛ بایستی گفت که شرط رسیدگی دادگاه در این خصوص دارا بودن صلاحیت ذاتی جهت رسیدگی به دعوی است و صرف طاری بودن دعوی جهت رسیدگی دادگاه کافی نمی‌باشد.

بنابراین به عنوان یک تعریف کلی در خصوص دعوی طاری می‌تواند بیان نمود که «دعوی طاری، دعوایی می‌باشد که در اثنای رسیدگی به دعوی اصلی از سوی متداعیین بر یکدیگر یا بر علیه ثالث و یا از سوی ثالث بر علیه متداعیین در دادگاهی که به دعوی اصلی رسیدگی می‌کند به شرط ارتباط و یا وحدت منشا، اقامه می‌شود و همین دادگاه در صورتی که صلاحیت ذاتی جهت رسیدگی به دعوی طاری را داشته باشد به آن نیز رسیدگی می‌نماید.»

گفتار دوم: فلسفه وجودی دعاوی طاری

دعاوی طاری همچون سایر قواعد آیین دادرسی مدنی جهت سامان دادن به رسیدگی، وجود یک دادرسی عادلانه با رعایت حقوق دفاع طرفین دعوا و نهایتاً صدور آرا مستحکم و صحیح به وجود آمده‌اند. در خصوص دعاوی طاری و فلسفه وجودی آن می‌توان به مواردی چون جلوگیری از صدور آراء معارض، ممانعت از تجدید دعوی، ریشه کن شدن کلیه اختلافات اشاره نمود. در ادامه موارد ذکر شده به اختصار مورد بررسی قرار می‌گیرند.

۱. جلوگیری از صدور آراء معارض: اگر دو دعوی مرتبط به نحو جداگانه و علی‌الخصوص در ۲ شعبه متفاوت مورد رسیدگی قرار گیرد همواره این احتمال وجود دارد که در خصوص آن‌ها آراء معارضی صادر شود امری که فارغ از وهن دستگاه قضایی، مشکلات عملی فراوانی را برای اصحاب دعوا به وجود خواهد آورد. به همین جهت باید این مورد را فلسفه وجودی و مهم‌ترین هدف و فایده پذیرش دعاوی طاری دانست. لازم به ذکر است که فلسفه وجودی مذکور صرفاً در فرض وجود ارتباط و یا ارتباط کامل بین دو دعوی مصداق دارد لکن موجب توجیه امکان اقامه دعوی با منشا واحد در فرض عدم ارتباط نخواهد شد. بدین ترتیب جهت پذیرش این دسته از دعاوی بایستی اهداف دیگری را جست.
۲. جلوگیری از تجدید دعاوی: با توجه به این که هدف اصلی دادرسی فصل خصومت و یافتن راه‌حلی قانونی جهت فیصله دادن به دعوا می‌باشد بنابراین تردیدی نیست که هر دعوایی می‌بایست روزی به پایان برسد. در نتیجه اگر قرار باشد که دعاوی خواهان مورد پذیرش قرار گیرد و سپس خوانده نیز یک دادرسی مستقلی را علیه خواهان به جریان اندازد، رسیدگی طولانی خواهد شد. در خصوص این مورد باید ذکر نمود که برخلاف مورد سابق شامل دعاوی طاری با وحدت منشا و یا مرتبط می‌شود.
۳. ریشه کن شدن سریع کلیه اختلافات: از آنجایی که طولانی شدن فرآیند دادرسی خود سبب به وجود آمدن مشکلات دیگری می‌باشد؛ بایستی جهت اجتناب از پیش آمدن چنین شرایطی اجازه داد که طرفین کلیه اختلافات خود را در یک دادرسی واحد بلافاصله مورد رسیدگی قرار دهند حتی اگر این دعوی فاقد ارتباط کافی باشند (مقصود پور، ۱۳۸۹: ۱۵، ۱۴).

گفتار سوم: شرایط عمومی اقامه دعاوی طاری

در گفتار دوم از مبحث اول به بیان شرایط عمومی اقامه دعاوی طاری می‌پردازیم. این گفتار در دو بند مطرح بودن دعاوی اصلی و ارتباط دعاوی اصلی با دو زیر مجموعه ارتباط کامل و وحدت منشا تدوین یافته است.

بند اول: مطرح بودن دعاوی اصلی

با توجه به اینکه یکی از شرایط اقامه دعاوی طاری مطرح بودن دعاوی اصلی می‌باشد این سوال قابل طرح است که مقصود از دعاوی اصلی چیست.

در تعریف دعاوی اصلی آورده‌اند: دعاوی اصلی آن است که محاکمه را بدوا تولید یا ایجاد می‌کند؛ امری که به وسیله دادخواست خواهان صورت می‌پذیرد (دفتری، ۱۳۷۸: ۱/۲۵۳).
در تعریف دیگر دعاوی اصلی دعوایی دانسته شده که دعاوی دیگر متفرع بر آن محسوب می‌شود (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۱: ۱۹۹۲).

لازم به ذکر است که برخی مصادیق همچون تامین خواسته و درخواست دستور موقت دعاوی اصلی محسوب نمی‌شوند که بتوانند مبنای اقامه دعاوی طاری قرار گیرند؛ چرا که موارد مذکور خود نهادی تبعی و فرعی بوده که ممکن است قبل یا بعد از دعوا اقامه شوند (مقصود پور، ۱۳۸۹: ۶۷).

این امر بدیهی می‌باشد که برای طاری تلقی شدن دعاوی دوم، دعاوی سابق باید در جریان رسیدگی باشد. اگر رسیدگی به موضوع پایان یافته باشد، به جهت عدم وجود دادرسی اصلی دعاوی مطروحه جدید طاری تلقی نمی‌شود. دعاوی اصلی ممکن است در مرحله تجدیدنظر یا بدوی در حال رسیدگی باشد. با توجه به نص قانون برخی دعاوی طاری چون ورود ثالث و جلب ثالث در مرحله تجدیدنظر نیز قابل طرح می‌باشد لکن دعاوی اضافی و دعاوی متقابل در این مرحله قابل رسیدگی نمی‌باشد. در مرحله واخواهی با توجه به این که دادگاه صادرکننده رای بدوی مجدداً به موضوع رسیدگی می‌کند اقسام دعاوی طاری قابل طرح است. در مرحله فرجام‌خواهی از آن جایی که رسیدگی به دعاوی به مفهوم دقیق کلمه وجود ندارد امکان اقامه دعاوی نیز منتفی است. در مرحله اعاده دادرسی با توجه به این که نوع دعاوی در محدوده جهت ادعا شده دارای اثر انتقالی می‌باشد؛ بدین صورت که دادگاه در صورت فسخ حکم مورد درخواست اعاده دادرسی بایستی دوباره نسبت به امور موضوعی و حکمی رسیدگی نماید می‌توان گفت که در این مرحله نیز شرط مطرح بودن دعاوی اصلی وجود دارد و بنابراین دعاوی طاری قابل طرح می‌باشند.

الف: معرفی دعوای اصلی

برای تبیین مفهوم دعوای طاری ابتدا باید مفهوم دعوای اصلی (ابتدایی) را دانست. یکی از حقوقدانان دعوای اصلی را چنین تعریف نموده است: دعوای اصلی آن است که دعوی یعنی محاکمه را بدو تولید و ایجاد می کند و آن به وسیله دادخواست خواهان صورت می گیرد (متین دفتری، ۱۳۷۸). برخی نیز دعوای اصلی را چنین تعریف نموده اند: "دعوای اصلی دعوائی است که دعوای دیگر متفرع بر آن باشد (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۱: ۳/۱۹۲۲). در عین حال، باید در نظر داشت که بعضی مصادیق، همانند تأمین خواسته و دستور موقت، نمی توانند دعوای اصلی (ابتدایی) تلقی شوند و مبنای اقامه ی دعوایی دیگر به عنوان طاری، قرار گیرند چرا که این دو، خود دو نهاد فرعی و تبعی بوده و به تبع دعوای اصلی که ممکن است، از قبل اقامه شده باشد یا بعداً اقامه گردد، معنا پیدا می کنند. بنابراین، اگر دستور موقتی اخذ شده باشد، ولی دعوای اصلی هنوز مطرح نشده باشد، نمی توان بر مبنای دستور موقت فوق، دعوای طاری اقامه نمود. بلکه در این فرض، دعوای مطروحه، خود دعوایی مستقل و اصلی است، که جداگانه مورد رسیدگی قرار خواهد گرفت (مقصود پور، ۱۳۸۹: ۶۷).

ب: مطرح بودن دعوای اصلی

برای طاری تلقی شدن دعوای دوم بدیهی است، دعوای سابق باید در جریان رسیدگی یا مطروحه باشد (و نه مختومه). اگر رسیدگی به موضوع پایان یافته باشد، بدین معنا که، دادگاه با اعلام ختم دادرسی از رسیدگی فارغ و آماده صدور رای شده باشد، به جهت عدم وجود دادرسی اصلی، دعوای مطروحه ی جدید، طاری تلقی نخواهد شد. در این حالت دعوای جدید، خود دعوایی مستقل است. دعوای اصلی (ابتدایی) ممکن است، در مرحله ی بدوی یا تجدیدنظر، در حال رسیدگی باشد. بعضی از دعوای طاری، مانند ورود ثالث، در مرحله ی تجدید نظر نیز قابل اقامه اند و تا زمانی که رسیدگی تجدید نظر پایان نیافته، شرط مطرح بودن دعوای اصلی به عنوان یکی از شروط مشترک در میان دعوای طاری موجود است. اما رسیدگی در مرحله ی فرجامی، موجب مطروحه بودن دعوا در مفهوم دقیق نیست و به همین جهت، امکان اقامه ی دعوای طاری وجود ندارد. مطابق مواد ۳۶۶ و ۳۷۲ ق.آ.د.م موضوع فرجام خواهی، تشخیص انطباق یا عدم انطباق رأی صادره با مقررات قانونی و شرعی زمان صدور آن است. بنابراین رسیدگی در مفهوم دقیق وجود ندارد و فرجام خواهی یک طریق فوق العاده و استثنایی اعتراض به رأی است، که فاقد اثر انتقالی است و به همین جهت، با دعوایی مطروح در مفهومی کامل، مواجه نیستیم.

در مرحله ی اعاده ی دادرسی با توجه به اینکه این نوع دعوی در محدوده ی جهت ادعا شده دارای اثر انتقالی است بدین معنا که دادگاه در صورت فسخ حکم مورد درخواست اعاده دادرسی باید دوباره نسبت به امور موضوعی و حکمی رسیدگی و اتخاذ تصمیم نماید و بنابراین صدور قرار معاینه محل، تحقیق محل، کارشناسی و... نیز در آن امکان پذیر است بایستی معتقد بود که در این نوع دعوی شرط مطرح بودن دعوای اصلی به عنوان یکی از شروط مشترک برای طرح دعاوی طاری موجود می باشد.

تأکید بر مطرح بودن دعوا، همانطور که توضیح داده شد، از این جهت است که اگر دعوای اصلی (ابتدایی) مختومه باشد، دعوای دوم، دیگر طاری تلقی نخواهد شد. لازم به ذکر است، در فرضی که دادرسی اصلی متوقف می گردد باز هم شرط مورد بحث موجود می باشد و دعوای اصلی از شمار دعوای مختومه شمرده نمی شود. موارد توقیف از جمله طواری دادرسی هستند که باعث ایجاد مانع موقتی می گردند، ولی باز هم، دعوا کما کان مطرح است و تبعاً، امکان اقامه دعوای طاری بر اساس آن وجود دارد (مقصود پور، ۱۳۸۹: ۶۸-۶۷).

بند دوم: ارتباط دعوای طاری با دعوای اصلی

از جمله دیگر شرایطی که می بایست بین دعوای اصلی و طاری وجود داشته باشد شرط وحدت منشا و یا مرتبط بودن دو دعوی می باشد.

الف: ارتباط کامل

در خصوص "ارتباط" بین دعوای اصلی و دعوی طاری قانونگذار تعریفی از آن ارائه ننموده است و تنها به ذکر آن در مواد ۹۸ و ۱۷ ق.آ.د.م اکتفا نموده است. با این حال در تعریف "ارتباط" برخی بیان کرده اند که: ارتباط عبارت است از رابطه استوار میان دو ادعای ناهمانند با یکدیگر جهت برقراری هر چه بهتر عدالت و به موجب رابطه ای که با همدیگر دارند و نیز برای آن که حکم آنان در یک زمان صادر شود و همچنین به جهت آن که از اطلاع دادرسی کاسته شود با هم مورد بررسی قرار می گیرند (انصاری، ۱۳۸۴: ۱/۱۶۰، ۱۶۱).

نقدی که بر تعریف مذکور وارد می باشد بدین صورت است که در آن فقط به فلسفه رسیدگی دعوی طاری اشاره شده بدون آن که تعریفی از ارتباط را ارائه دهد... یکی دیگر از حقوقدانان در بیان مفهوم ارتباط بیان نموده اند: "در بیان مفهوم ارتباط می توان گفت که در این مورد هر چند، اتخاذ تصمیم در یک دعوا، مؤثر در دیگری نیست، ولی رسیدگی توأمان این دعاوی نیز به جهت شکلی، مشکل جدی ایجاد نمی نماید." (مقصود پور، ۱۳۸۹: ۱۵۴). این تعریف نیز واجد